

ضرورت و اعتبارسنجی مدل ترویج کشاورزی حامی فقرا از دیدگاه کارکنان ترویج کشاورزی استان فارس

نازنین کیان‌مهر و داریوش حیاتی^{۱*}

(دریافت: ۹۴/۱۲/۲۵؛ پذیرش: ۹۵/۰۷/۰۳)

چکیده

امروزه ترویج کشاورزی به‌عنوان یک نظام آموزش غیر رسمی که قصد دارد سطح زندگی روستاییان را بهبود بخشد با چالش‌های مهم روستایی از جمله وجود فقر در روستاها مواجه است. لازمه جهت‌دهی فعالیت‌ها به سوی کاهش فقر، تغییر نگرش کارکنان ترویج کشاورزی و نیز به‌کارگیری رهیافت مناسب فقرزدایی است. پژوهش حاضر، شامل دو بخش کمی و کیفی بوده که هدف کلی در بخش کمی آن، بررسی ضرورت نظام ترویج کشاورزی فقرزدا از دیدگاه کارکنان ترویج کشاورزی بوده و در بخش کیفی آن، اعتبارسنجی مدل تجربی ترویج کشاورزی حامی فقرا بوده است. جامعه آماری این تحقیق، تمامی کارکنان ترویج سازمان جهاد کشاورزی استان فارس بوده‌اند که ۱۹۲ نفر از آن‌ها با روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی متناسب تصادفی انتخاب شدند و طی پیمایش و با استفاده از پرسش‌نامه، داده‌های کمی مورد نیاز از آن‌ها جمع‌آوری گردید. یافته‌های کمی نشان داد که حدود ۵۵ درصد کارکنان ترویج، نگرش مثبتی نسبت به استقرار نظام ترویج کشاورزی فقرزدا داشته‌اند. پس از تبیین نگرش کارکنان نسبت به ضرورت ترویج کشاورزی فقرزدا، در جلسه‌ای رسمی با حضور ۳۳ تن از کارکنان ترویج، مدل تجربی ترویج کشاورزی فقرزدا تشریح و اعتبار آن مورد تأیید قرار گرفت. در نهایت، بر مبنای یافته‌ها و نتایج این تحقیق، پیشنهادهایی ارائه گردیده است.

واژه‌های کلیدی: مدل ترویج کشاورزی حامی فقرا، کارکنان ترویج کشاورزی، استان فارس.

^۱ - به ترتیب، دانشجوی دکتری آموزش کشاورزی و استاد بخش ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

*- مسئول مکاتبات، پست الکترونیک: kianaz86@yahoo.com

مقدمه

اگرچه فقر همزاد بشر بوده، اما دامنه آن در هیچ دوره‌ای به گستردگی زمان حاضر نبوده است (طالب و همکاران، ۱۳۸۹). فقر، پدیده‌ای پیچیده و چندبعدی است که می‌تواند بر تمام ابعاد توسعه پایدار اعم از اقتصادی، اجتماعی، مدیریتی و زیست‌محیطی اثرگذار باشد. همچنین، قسمت اعظم فقرای جهان (۷۵ درصد) در روستاها سکونت دارند (قرنی‌آرانی، ۱۳۹۳). رابطه بین فقر و زندگی روستایی، رابطه‌ای با ضریب همبستگی بالا و مثبت بیان شده است. به طوری که حتی برخی کشورها به‌طور غیر مستقیم، فقرا و محرومان را به‌عنوان افرادی روستایی تعریف نموده‌اند (Anriquez & Stamoulis, 2007). هم‌زمان با رشد سریع صنعت و فناوری در جهان، عقب‌ماندگی مناطق روستایی بیشتر عیان گردیده است. عموماً، روستاییان نسبت به شهرنشینان دارای درآمد و سرمایه‌های کمتری بوده و از خدمات رفاهی و اجتماعی ناچیزتری برخوردار هستند. بخش روستایی سزاوار توجه ویژه و فوری است و هرگونه برنامه‌ریزی برای کاهش فقر را باید از روستاها آغاز نمود (Adisson, 2009).

نظام ترویج کشاورزی، از ابزارهای کلیدی برای تحقق توسعه پایدار به شمار می‌رود که قابلیت برقراری عدالت اجتماعی و کاهش فقر را دارد (Davis et al., 2016). ترویج کشاورزی دارای کارکردهای متعددی چون افزایش و بهبود معیشت، آموزش به کشاورزان و افزایش تولید است که می‌تواند از آن‌ها برای ایفای نقش‌های دیگری چون کاهش فقر بهره‌برد (ابراهیمی و میرزایی، ۱۳۹۴). سیستم‌های ترویج کشاورزی می‌توانند نقش کلیدی در اجرای راهبردهای حامی فقرا داشته باشند. ترویج یکی از معدود سازمان‌هایی است که می‌تواند از طریق کارکنان خود با کشاورزان تماس مستقیم داشته باشد و ابزاری است که از طریق آن مواردی مانند کاهش فقر، ایجاد برابری و پایداری زیست‌محیطی می‌توانند به‌صورت عملی محقق گردند (Marcho, 2004).

در بسیاری از موارد، موفقیت ترویج کشاورزی وابسته به توانایی آن برای سازگاری و نیز تغییر مسیر برنامه‌های خود بر مبنای نیازهای جامعه روستایی و مخاطبان می‌باشد و چنانچه به‌خوبی مورد حمایت قرار گیرد قابلیت ارتقاء توسعه اجتماعی و اقتصادی در روستاها را دارد (FAO, 2008).

نظام ترویج کشاورزی و کارکردهای آن در کشورهای توسعه‌یافته، مرتباً در حال تغییر و تحول گسترده می‌باشد و

دلیل ایجاد این تغییرات، لزوم سازگاری خدمات ترویج کشاورزی با نیازهای محلی و به‌روز کشاورزان بوده است (Aklilu et al., 2015). دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در حال ایجاد تغییرات اساسی در زمینه‌های مدیریتی و ساختارهای خود برای ارتقاء وضعیت نظام ترویج کشاورزی خود می‌باشند (GDPRD, 2005).

با این حال، اغلب سازمان‌ها و نهادهای ترویج کشاورزی در کشورهای در حال توسعه، تعهد مبهم و بسیار ضعیفی در ارتباط با کاهش فقر و برقراری عدالت اجتماعی داشته‌اند. به همین دلیل، خدمات ترویجی به دلیل سوگیری به نفع برگزیدگان و ثروتمندان روستایی مرتباً مورد انتقاد بوده‌اند. این موارد حاکی از ساختارها و سیاست‌های ضعیف و نبود الگوی مشخص برای اقدام عملی به نفع فقرای روستایی می‌باشند (Davis et al., 2016). بنابراین، برنامه‌های ترویج کشاورزی در اغلب کشورهای در حال توسعه برای برآوردن نیازهای مهارتی و مدیریتی کشاورزان محروم و کم‌درآمد ناکافی به نظر می‌رسند و این در شرایطی است که غفلت از برآوردن نیازهای فقرای روستایی باعث تضعیف فرایند توسعه و افزایش فقر در این کشورها شده است (Schneider & Gugerty, 2011).

سؤالی که باید پاسخ داد آن است که چگونه نهادهای کشاورزی می‌توانند بیش از پیش حامی فقرا باشند؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت که هر نهادی که می‌خواهد اولویت کار خود را حمایت از فقرا قرار دهد نیازمند اطلاعات جدید، الگوها و رهیافت‌های روشنی است که بر مبنای آن‌ها بتواند فعالیت‌ها و مأموریت‌های خود را در ارتباط با کاهش و ریشه‌کنی فقر به انجام برساند (Farrington, 2007). در شرایطی که فقرای روستایی، در حال ترک کردن فعالیت‌های کشاورزی هستند، رهیافت تولید‌گرایی ترویج کشاورزی نمی‌تواند قابلیت‌های لازم برای رفع فقر و آسیب‌پذیری را داشته باشد. بازتعریف اولویت‌ها و راهبردهای ترویج کشاورزی، مستلزم تدوین و به‌کارگیری رهیافتی است که عناصر آن در سطح دولتی و نهادی بر مبنای مطالعه زمینه اجتماعی و محلی مناطق محروم و فقیر، به‌طور شفاف بازتعریف شده باشند (Christoplos, 2010). رهیافت ترویج کشاورزی فقرزدا رهیافتی جامع است که در عین انعطاف‌پذیری و پویایی، بر اصولی استوار است که برخی از آن‌ها بدین قرارند: درک مفهوم فقر، تبیین شاخص اندازه‌گیری فقر با توجه به

تشدید فقر به‌ویژه در بین روستاییان کشورهای در حال توسعه، از چالش‌های اساسی ترویج کشاورزی است. از آنجا که توسعه منابع انسانی در جوامع روستایی عمدتاً بر عهده متولیان نظام ترویج کشاورزی است، توجه به نیازهای تمامی گروه‌ها به‌خصوص محرومان جامعه روستایی باید مدنظر قرار گیرد. بنابراین، بازنگری در خصوص زیربنای نظری، اهداف، استراتژی‌ها در ترویج کشاورزی برای کمک به بهبود وضعیت زندگی فقرای روستایی، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. با توجه به این ضرورت و نظر به این‌که دست‌اندرکاران ترویج کشاورزی از یک طرف با جامعه روستایی در ارتباط بوده و از طرفی با ویژگی‌ها و ظرفیت‌های نظام ترویج کشاورزی آشنا هستند، دیدگاه آن‌ها برای هرگونه بازنگری در عرصه ترویج کشاورزی می‌تواند راهگشای ایجاد تغییرات اساسی و اقدامات بعدی برای خدمت‌رسانی مؤثرتر به روستاییان باشد. از آنجا که مطالعات چندانی در این زمینه در کشور ایران صورت نگرفته است، بنابراین هدف کلی تحقیق حاضر، بررسی ضرورت و اعتبار سنجی نظام ترویج کشاورزی حامی فقرا از دیدگاه کارکنان ترویج کشاورزی بوده است.

حیاتی و کرمی (Hayati & Karami, 2005b) بر مبنای بررسی عملکرد ترویج کشاورزی در ایران در سه دوره گذشته، حال و آینده، رهیافتی را برای ترویج کشاورزی حامی فقرا در قالب یک مدل تجربی ارائه نموده‌اند که در این مطالعه، پس از تبیین نگرش کارکنان نسبت به ضرورت ترویج کشاورزی فقرزدا، در ادامه تحقیق، اعتبار این مدل با حضور تعدادی از کارکنان ترویج مورد سنجش قرار گرفته است.

معرفی مدل تجربی ترویج کشاورزی حامی فقرا

مدل تجربی ترویج کشاورزی حامی فقرا، برای اولین بار در ایران توسط حیاتی و کرمی ارائه شده است (نگاره ۱). این مدل بیان می‌دارد که باید نگرش‌های کلاسیک در ارتباط با ماهیت فقر تغییر نمایند. بر مبنای این الگو، متخصصان ترویج کشاورزی بایستی فقر را به‌صورت یک پدیده پیچیده و چندبعدی ملاحظه نمایند. همچنین باید یک شاخص مناسب برای اندازه‌گیری فقر در سطح خانوار در مناطق روستایی ایجاد شود، زیرا که مشکلات اساسی در اندازه‌گیری فقر وجود دارد که این مشکلات نمی‌توانند با استفاده از روش‌های سنتی رفع شوند. نیاز به یک تکنیک مناسب به‌منظور تلفیق عقاید کارشناسان و نظرات دیگر

استانداردهای موجود و تلفیق آن با واقعیت‌های محلی، اولویت‌بخشی به گروه‌های آسیب‌پذیر، مشارکت‌گرایی و توسعه نهادی، حمایت از نوآوری‌های محلی، بهبود کیفیت محیط زیست و ... است. در قالب این رهیافت جامع، گروهی از نهادهای ترویجی با مشارکت مردم و نهادهای محلی به شناسایی مسائل، امکانات، منابع و اولویت‌ها می‌پردازند و با شناسایی و انتخاب راه‌حل‌های مناسب از میان گزینه‌های موجود، برنامه‌ای را برای کاهش فقر و توسعه امرار معاش فقرا را طراحی نموده و به اجرای آن با تأکید بر اصول مذکور، می‌پردازند (Farrington, 2007).

اگرچه ترویج کشاورزی می‌تواند به‌عنوان ابزاری مهم برای برخورد با مشکل فقر بکار گرفته شود، اما عملکرد آن تاکنون حاکی از این واقعیت بوده است که نهادهای مجری ترویج کشاورزی نه تنها از توجه و رسیدگی به امور فقرای روستایی غفلت نموده‌اند، بلکه با تمرکز برنامه‌هایشان به سوی روستاهای توسعه‌یافته‌تر و افراد غنی‌تر، سبب افزایش فقر و نابرابری شده‌اند (نوروزی و حیاتی، ۱۳۹۴). به بیان دیگر، امروزه ترویج کشاورزی نیازمند بازاندیشی در فعالیت‌های خود بوده تا بتواند کمک به قشر محروم و فقیر جامعه روستایی را به عنوان یک هدف اساسی مد نظر قرار دهد. از طرفی، اگر قرار باشد ترویج کشاورزی مداخله‌گری-های خود را به سمت فقرزدایی سوق دهد، لازم است که کارکنان ترویج نیز نسبت به این امر نگرش مثبتی داشته باشند. در ارتباط با جهت‌دهی مداخله‌گری‌های کشاورزی به سوی کاهش فقر در کشورهای در حال توسعه، چالش‌هایی مطرح شده است که چگونگی متقاعد کردن مسئولان در ارتباط با سودمندی این رهیافت، یکی از آن‌ها است. به اعتقاد لوی (Levy, 2003) می‌بایست دیدگاه مسئولان در ارتباط با رهیافت‌ها، مورد بررسی قرار گیرد و این امر به منظور پیاده‌سازی الگوها و نیز برای جهت‌دهی منابع سازمان‌ها به سوی کاهش فقر روستایی، امری ضروری است. تا زمانی که نگرش کارکنان ترویجی را نسبت به ضرورت فقرزدایی ندانیم، هرگونه اقدام در این زمینه با مشکل روبرو خواهد شد. جهت‌دهی فعالیت‌ها به سوی فقرزدایی، نیازمند تغییر نگرش کارکنان ترویجی اعم از دولتی و غیردولتی می‌باشد و به منظور منسجم نمودن فعالیت‌ها و تعیین اولویت‌ها، بایستی قبل از اعمال هر نوع رهیافت کاهش فقر، درک و نگرش درستی در کارکنان ترویج ایجاد شود (Davidson & Ahmad, 2003).

ضرورت و اعتبارسنجی مدل ترویج کشاورزی حامی فقرا از دیدگاه...

که در سیاست‌های توسعه روستایی نیز، هم‌زمان با توزیع برابر منابع و درآمد بین خانوارهای روستایی اصلاح صورت گیرد. نظر به این‌که هر رهیافت جدید برای اجرایی شدن، نیازمند سازمان‌دهی خواهد بود، بنابراین، نهادهای ترویج کشاورزی که مسئولیت اجرا نمودن این رهیافت‌ها را بر عهده دارند، باید از لحاظ ارائه مشوق‌ها و ایجاد انگیزه در کارکنان ترویج و نیز ارتقاء ابعاد حرفه‌ای، تغییر و توسعه یابند (Hayati & Karami, 2005b).

تغییر ساختارها یک ضرورت است. شناخت ساختارها، از ساختارهای دولتی گرفته تا بخش خصوصی و سازمان‌های غیردولتی در تمامی ابعاد اهمیت دارد. شناسایی و تغییر ساختارها می‌تواند بر معیشت افراد اثرگذار باشد، همچنین در تعیین این‌که چه کسانی به چه نوع سرمایه‌هایی دسترسی داشته و نیز این‌که ارزش مفید هر یک از سرمایه‌ها به چه میزان است، ضرورت دارند (Carney, 1998).

چالش فقرا، در میزان دسترسی به ۵ نوع سرمایه است که بر مبنای آن‌ها، قادر خواهند بود فعالیت‌های تأمین معاش خود را انجام دهند. سرمایه‌های طبیعی، همان ذخایر و منابع طبیعی (زمین، آب و منابع زیستی) می‌باشند که از آن‌ها منابع مفید برای تأمین معاش اشتقاق می‌یابند. سرمایه‌های اجتماعی که منابع اجتماعی (شامل شبکه‌ها، اعضاء گروه‌ها، روابط بر اساس اعتماد، دسترسی به نهادهای گسترده‌تر اجتماعی) هستند. سرمایه‌های انسانی شامل مهارت‌ها، دانش، توانایی برای کار و تلاش و داشتن سلامتی که برای دنبال کردن راهبردهای معاش ضروری هستند. سرمایه‌های فیزیکی (حمل و نقل، سرپناه، انرژی و ارتباطات) و ابزار تولید و لوازمی هستند که افراد را به تأمین زندگی قادر می‌نمایند. سرمایه‌های مالی که منابع مالی در دسترس افراد (شامل پس‌اندازها و اعتبارات، مستمری و پول دریافتی) می‌باشند. همه این فعالیت‌ها، باید سبب کمک به فقرا برای پذیرش راهبردهای تأمین معاش شوند که برای دستیابی به نتایجی اعم از کیفیت زندگی بالاتر، کاهش آسیب‌پذیری، ارتقاء امنیت غذایی، عدالت اجتماعی و برابری بیشتر و سرانجام استفاده پایدار از منابع طبیعی، مناسب هستند.

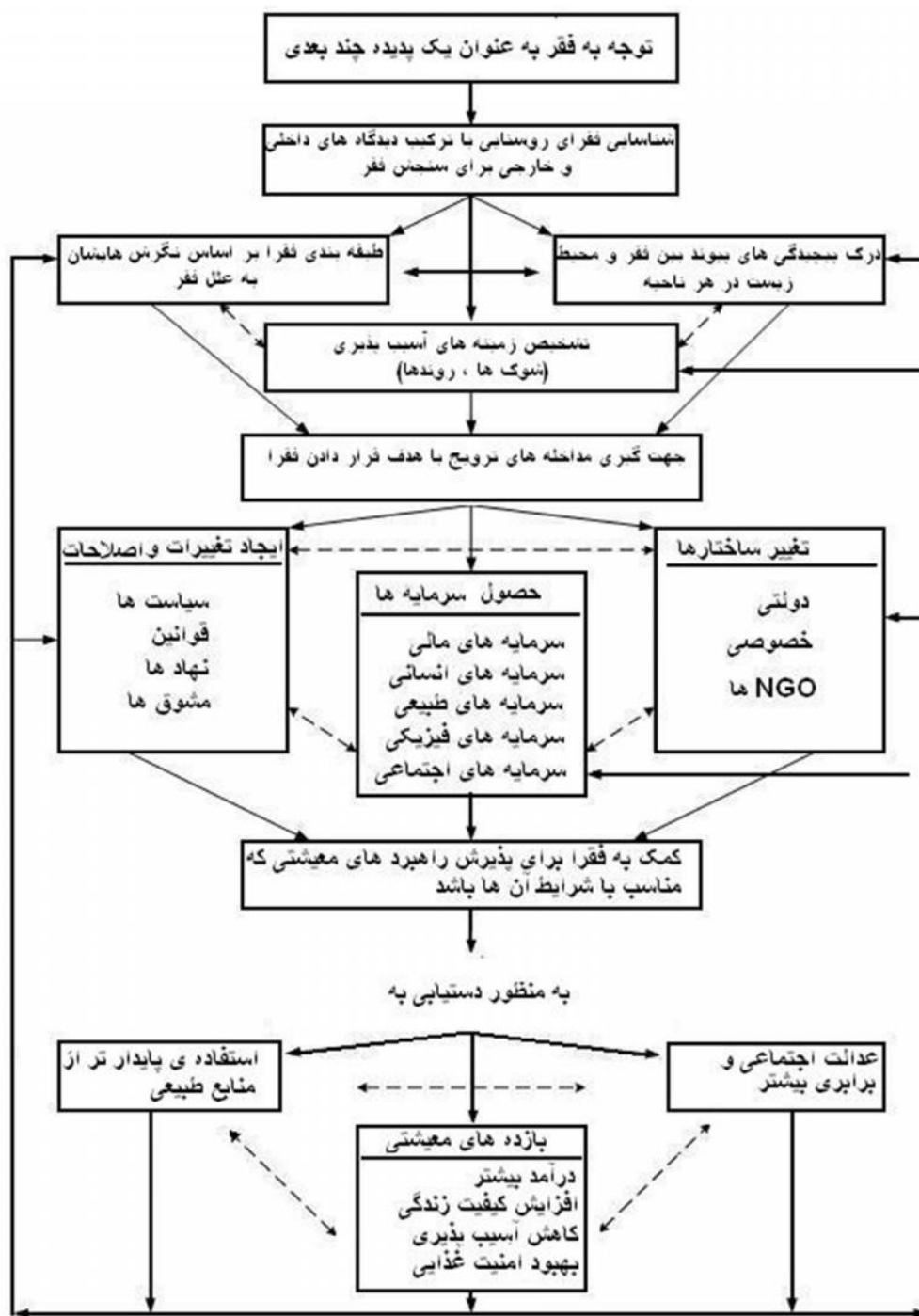
محققان با نگرش‌ها و ارزش‌های افراد محلی در ارتباط با فقر وجود دارد. استفاده از روش‌های تحقیق مشارکتی به عنوان یک ابزار مهم برای شناسایی فقر و ترکیب روش‌های کمی و کیفی برای غلبه بر سوگیری‌هایی که ممکن است در زمانی که یک رهیافت تک‌بعدی برای شناسایی فقر در فرایند تحقیق ایجاد شوند، پذیرفته شده است. معمولاً، فقرا به‌عنوان گروه همگنی در نظر گرفته می‌شوند که دچار کمبود منابع هستند. عموماً، آن‌ها بر اساس دسترسی‌شان به منابع طبقه‌بندی می‌شوند و این نوع فرض همگنی، بر درک از فقر و برنامه‌هایی که برای کاهش فقر وجود دارند، اثر قابل ملاحظه‌ای می‌گذارد. یافته‌های یک مطالعه عمیق در ایران فرض همگنی گروه‌های فقرای روستایی را رد می‌نماید (Hayati & Karami, 2005a).

بنابراین، هر برنامه‌ریزی مداخله‌گری برای کاهش فقر بایستی در ارتباط با درک فقرا نسبت به علل فقر در نظر گرفته شود. در هر نوع برنامه‌ریزی ترویج کشاورزی حامی فقرا، پس از شناسایی فقرا بر مبنای دسترسی آن‌ها به منابع، آن‌ها باید بر اساس نوع نگرششان به فقر طبقه‌بندی شوند و سپس دست‌اندرکاران ترویج می‌توانند مطابق با آن، برنامه‌های کاهش فقر را طراحی نمایند.

از آنجا که توجه به فقر و محیط‌زیست بسیار حائز اهمیت است، باید ارتباط این دو در نظر گرفته شود. افراد فقیر بیشترین تمایل و نیاز را برای وابستگی به محیط زیست و استفاده مستقیم از منابع طبیعی دارند و بنابراین، ایشان به شدت از تخریب محیط زیست متأثر می‌شوند. فقرا اغلب در معرض مخاطرات محیطی قرار گرفته و دارای حداقل توانایی برای برخورد با آن‌ها هستند (رضایی مقدم و کرمی، ۱۳۸۵).

علاوه بر این، پیوند بین شرایط محیطی و ابعاد فقر، پویا و مرتبط با هم می‌باشد. این نوع پیوندها مطابق با موقعیت جغرافیایی و ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی افراد تغییر می‌نمایند (DFID, 2002; Sullivan, 2001). علاوه بر این، نیاز است موارد آسیب‌پذیری (روند، تنش‌ها و کارکردهای فرهنگی محلی که بر معاش فقرا اثر دارند) درک شوند.

ادعا می‌شود که مداخلات توسعه روستایی متداول در ایران، در کاهش فقر و نابرابری موفق نبوده‌اند. بنابراین سیاست‌های توسعه روستایی و برنامه‌های مداخله‌گری که توسط نهادها به اجرا در می‌آیند، باید تجدیدنظر و اصلاح شوند. ضروری است



نگاره ۱- مدل تجربی برای رهیافت ترویج کشاورزی حامی فقرا در ایران (Hayati and Karami, 2005b)

روش پژوهش

تحقیق حاضر از نوع توصیفی و شامل دو بخش کمی و کیفی بوده است. به منظور جمع‌آوری اطلاعات در بخش کمی، از روش تحقیق پیمایشی استفاده شده است. بر اساس اهداف مطالعه، پرسشنامه‌های شامل سؤالات باز و بسته، تنظیم و سپس برای سنجش میزان اعتبار آن، از روش نظرسنجی از متخصصان (صاحب‌نظر در حیطه ترویج، آموزش و توسعه کشاورزی) و به عبارتی روایی صوری بهره گرفته شد. همچنین، به منظور تعیین میزان پایایی سؤالات، ضمن انجام یک مطالعه راهنما (با انتخاب تصادفی تعداد ۳۰ نفر از کارکنان ترویج سازمان جهاد کشاورزی استان کهگیلویه و بویراحمد) از آزمون کرونباخ آلفا استفاده شد. در نهایت، ضریب آلفا برای متغیرهای علاقه کار با روستاییان، نگرش نسبت به رسالت نظام کشاورزی و نگرش نسبت به ضرورت ترویج کشاورزی فقرزدا به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۸۹، ۰/۸۹ محاسبه گردید. جامعه آماری این پژوهش را ۳۸۴ نفر از کارکنان ترویجی سازمان جهاد کشاورزی استان فارس (نیروهای ترویجی با رشته‌های تحصیلی مختلف و با مدارک تحصیلی کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد) تشکیل داده و حجم نمونه مورد نیاز با بهره‌گیری از جدول تاکن (جدول نمونه‌گیری استاندارد که به‌طور دقیق تعداد نمونه مناسب را به تناسب جامعه آماری، ارائه می‌نماید) معادل با ۱۹۲ نفر محاسبه گردید. از آنجا که ۱۷ نفر کارکنان ترویج در ادارات ترویج مستقر در شهرستان‌های استان فارس و ۲۶۷ نفر در مراکز ترویج جهاد کشاورزی مشغول به فعالیت بوده‌اند، دو طبقه برای نمونه‌ها مدنظر قرار گرفت و حجم نمونه متناسب با جمعیت هر طبقه، تعیین شد. در مرحله اول پرسشنامه‌ها به همراه دستورالعمل و نامه رسمی با همکاری جهاد کشاورزی استان فارس، به ادارات ترویج جهاد کشاورزی شهرستان‌ها ارسال گردید. در مرحله دوم برای تعداد ۳۶ نفر که پرسشنامه ارسالی را برگشت نداده بودند، مجدداً پرسشنامه به همراه نامه یادآوری ارسال گردید. ۱۶ نفر در این مرحله به تکمیل و تحویل پرسشنامه مبادرت نمودند. پس از پیگیری نهایی، در مجموع ۱۷۲ پرسش‌نامه تکمیل و به پژوهشگران عودت داده شد.

در بخش کمی این پژوهش، همبستگی‌های سه دسته از ویژگی‌های کارکنان نظام ترویج، شامل ویژگی‌های فردی-روان‌شناختی (با لحاظ نمودن متغیرهای سن، علاقه به کار با روستاییان، درک فرد از وضعیت اقتصادی خود)، ویژگی‌های

اقتصادی (با دو متغیر درآمد، دارایی‌ها)، ویژگی‌های حرفه‌ای (تجربه کاری، میزان تماس با روستا، سطح تحصیلات، طبقه شغلی) و همچنین متغیر نگرش نسبت به رسالت نظام کشاورزی با متغیر وابسته نگرش نسبت به ضرورت نظام ترویج کشاورزی حامی فقرا مورد بررسی قرار گرفت. آزمون‌های موردنظر برای بررسی همبستگی متغیرها شامل ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن بوده‌اند. تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS ۱۶ صورت پذیرفت.

لازم به ذکر است از آنجا که یکی از مهم‌ترین اهداف این تحقیق اعتبار سنجی مدل ترویج کشاورزی حامی فقرا بوده است، پس از تحلیل یافته‌ها، در بخش کیفی تحقیق، تعدادی از کارکنان ترویجی که قبلاً در مرحله پیمایش، اقدام به تکمیل پرسش‌نامه نموده بودند و نگرش آن‌ها نسبت به ضرورت ترویج کشاورزی فقرزدا مثبت ارزیابی شده بود، شناسایی و به‌عنوان گروه اعتبارسنج انتخاب شده و سپس با همکاری سازمان جهاد کشاورزی استان فارس، نامه‌ای رسمی به آن‌ها ارسال شده و از آن‌ها برای شرکت در یک جلسه، دعوت به عمل آمد. نهایتاً با پیگیری‌های صورت گرفته، تعداد ۳۳ نفر از کارکنان ترویج کشاورزی در یک جلسه یک‌روزه، حضور یافتند. در ابتدای جلسه، در ارتباط با وضعیت فقر و کارکردهای ترویج کشاورزی و ضرورت به‌کارگیری یک مدل برای فقرزدایی گفت‌وگویی صورت گرفت و در ادامه، مدل تجربی برای رهیافت ترویج کشاورزی حامی فقرا در ایران به آن‌ها معرفی گردید. در این جلسه، نسخه‌ای از طرح کلیمدل در اختیار هریک از شرکت‌کنندگان قرار داده شد و سپس تک‌تک قسمت‌های مدل و روابط بین آن برای ایشان تشریح و توضیح داده شد. پس از ارائه توضیحات کامل درباره جزئیات و کارکرد این مدل، از کارکنان ترویج خواسته شد که مرحله به مرحله، نظرات خود را پیرامون اعتبار کلی مدل و نیز هر یک از قسمت‌های آن مطرح نمایند. در نهایت، این نظرات که به‌صورت شفاهی مطرح و مورد بحث قرار داده شده بود، مکتوب گردید.

یافته‌ها و بحث

نگرش نسبت به ضرورت ترویج کشاورزی فقرزدا

با جمع امتیازات مربوط به گویه‌هایی (۱۸ گویه با دامنه امتیاز ۱ (نگرش کاملاً منفی) تا ۵ (نگرش کاملاً مثبت)) که برای سنجش این متغیر طراحی شده بودند و کسب میانگین امتیازات، وضعیت نگرش کارکنان ترویج نسبت به ضرورت ترویج

توسط آن‌ها از ۱+ انحراف استاندارد از میانگین، بیشتر بوده است.

طبق نمودار ۱، بیشترین فراوانی و درصد مربوط به افرادی است که دارای نگرش نسبتاً مثبت بوده‌اند که مقادیر مربوطه ۵۵ نفر (۳۲ درصد) بوده است. افرادی که دارای نگرش نسبتاً منفی بوده‌اند، با مقادیر فراوانی ۵۲ نفر (۳۰/۲ درصد)، در جایگاه بعدی قرار داشته‌اند. این نکته نشان می‌دهد که درصد نسبتاً قابل توجهی از کارکنان ترویجی گرایش چندانی زیاده نسبت به اهتمام ترویج کشاورزی به فقرزدایی نداشته‌اند. فراوانی و درصد مربوط به افراد دارای نگرش کاملاً مثبت نیز ۴۱ نفر (۲۳/۸ درصد) بوده است. کمترین میزان فراوانی ۲۴ نفر (۱۴ درصد) مربوط به طبقه دارای نگرش کاملاً منفی بوده است. به‌طور کلی، چنین ملاحظه می‌شود که حدود ۵۵ درصد از کارکنان ترویج کشاورزی، در ارتباط با ضرورت ترویج کشاورزی فقرزدا دارای نگرش کاملاً مثبت یا نسبتاً مثبت بوده‌اند و حدود ۴۵ درصد از آن‌ها، نگرش کاملاً منفی و یا نسبتاً منفی داشته‌اند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که با وجود اهمیت فقرزدایی و نقش مهمی که ترویج کشاورزی می‌تواند در کاهش فقر روستایی ایفا نماید، درصد نسبتاً قابل توجهی از کارکنان ترویجی گرایش چندانی مثبتی به این امر نداشته‌اند، اگرچه درصد آن‌ها کمتر از درصد کارکنانی بوده که نگرش مثبتی نسبت به ضرورت ترویج کشاورزی فقرزدا داشته‌اند.

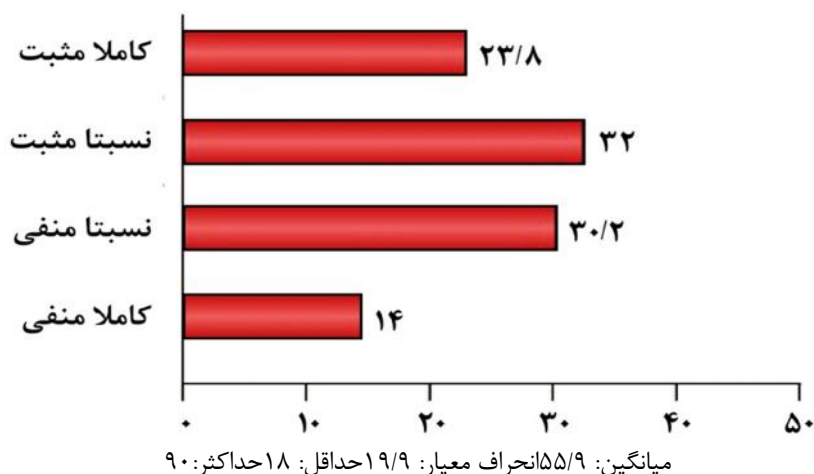
سنجش همبستگی متغیرهای پژوهش

نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد بین متغیرهای سن، علاقه کار با روستاییان (این متغیر با استفاده از ۵ گویه با طیف لیکرت با دامنه ۱ (علاقه بسیار کم) تا ۵ (علاقه بسیار زیاد) سنجیده شد)، درآمد، تجربه کاری، میزان تماس با روستا (این متغیر در این تحقیق شامل سه وضعیت ۱ تا ۱۰ مرتبه در ماه، ۲۰ تا ۳۰ مرتبه در ماه، ۳۰ تا ۴۰ مرتبه در ماه، ۴۰ تا ۵۰ مرتبه در ماه، ۵۰ تا ۶۰ مرتبه در ماه، ۶۰ تا ۷۰ مرتبه در ماه، ۷۰ تا ۸۰ مرتبه در ماه، ۸۰ تا ۹۰ مرتبه در ماه، ۹۰ تا ۱۰۰ مرتبه در ماه) بوده است)، نگرش نسبت به رسالت فقرزدایی نظام کشاورزی، با متغیر نگرش نسبت به ضرورت نظام ترویج کشاورزی فقرزدا، همبستگی معنی‌داری وجود داشته است (جدول ۱). با افزایش سن، کارکنان ترویج تأکید بیشتری برای پرداختن ترویج کشاورزی به امر فقرزدایی در روستاها داشته‌اند. به نظر می‌رسد که با افزایش سن، درک کارکنان ترویج کشاورزی از فقر روستایی، به سمت منطقی‌تری متمایل شده است. شاید بتوان دلیل این موضوع را اجتناب از هیجان‌ات در کنکاش مسائل مختلف و درک منطقی‌تر واقعیت‌ها به واسطه افزایش سن دانست.

کشاورزی فقرزدا مشخص گردید. مضامین اصلی گویه‌های مذکور شامل موارد ذیل بوده‌اند:

تأثیرگذاری روند کنونی افزایش فقر روستایی بر موفقیت ترویج کشاورزی آتی، غفلت کنونی ترویج از برقراری عدالت اجتماعی، تطابق فلسفه وجودی ترویج با فقرزدایی، ضرورت نشر و اشاعه فناوری‌های متناسب با کشاورزان آسیب‌پذیر، ضرورت تدوین راهبردهای حامی فقرا در ترویج کشاورزی آتی، اصلی‌ترین گروه هدف آتی برای ترویج، تأثیر اهتمام متولیان ترویجی به فقرزدایی در روند دستیابی به اهداف توسعه روستایی، لزوم ایجاد هماهنگی بین خدمات ترویجی با تقاضای جامعه روستایی، پیامد پیگیری شیوه‌های متداول ترویجی بر فقر، به‌کارگیری ترویج کشاورزی به‌عنوان اهرمی برای کاهش شکاف بین عمده مالکان و خرده‌مالکان، اهمیت تمرکز سیستم‌های ترویجی بر محرومان روستایی، ظرفیت سیاست‌های کنونی نظام ترویج در برآوردن نیازهای فقرالزوم تجهیز کارگزاران ترویجی به مهارت‌های لازم برای حمایت از کشاورزان ضعیف، بحرانی بودن شرایط ترویج کشاورزی کنونی به دلیل نبود برنامه‌های مشخص برای فقرزدایی، رفع نیازهای آتی کشور از طریق اولویت‌بخشی به کشاورزان خرده‌پا، لزوم جهت‌دهی مجدد مداخله‌گری‌های ترویجی با توجه به اهمیت فقرزدایی در روستاها، تضمین کاهش نابرابری‌ها با ایجاد تغییرات اساسی در الگوهای ترویجی، ارجحیت فقر محوری بر محصول محوری برای کارگزاران ترویجی.

لازم به توضیح است که دامنه امتیازات نهایی که گروه‌های پاسخگو قادر به کسب آن بوده‌اند، بین ۱۸ تا ۹۰ بوده است. مقادیر میانگین و انحراف معیار به‌دست آمده برای این متغیر به ترتیب ۵۵/۹ و ۱۹/۹ بوده است. به‌منظور توصیف دقیق‌تر نگرش‌های کارکنان، طبقه‌بندی چهارگانه‌ای شامل نگرش کاملاً منفی، نگرش نسبتاً منفی، نگرش نسبتاً مثبت و نگرش کاملاً مثبت، انجام شد. اساس طبقه‌بندی به این صورت بوده است که افرادی که امتیاز کسب‌شده آن‌ها برای این متغیر، به میزان ۱- انحراف استاندارد از میانگین کمتر بوده، در طبقه نگرش کاملاً منفی قرار داده شده‌اند. همچنین کسانی که امتیاز نگرش آن‌ها در فاصله بین ۱-انحراف استاندارد و میانگین قرار داشته، دارای نگرش نسبتاً منفی ارزیابی شده‌اند. افراد با نگرش نسبتاً مثبت، گروهی بوده‌اند که امتیاز کسب شده توسط آن‌ها در فاصله بین میانگین و ۱+انحراف استاندارد از میانگین، قرار داشته است. در نهایت، افراد دارای نگرش کاملاً مثبت، کسانی بوده‌اند که امتیاز کسب شده



نمودار ۱- توزیع درصد مربوط به متغیر نگرش نسبت به ضرورت نظام ترویج فقرزدا

ضرورت ترویج کشاورزی فقرزدا همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود داشته و شدت همبستگی، حاکی از وجود رابطه قوی بین این متغیرها است.

بین متغیر نگرش نسبت به رسالت فقرزدایی نظام کشاورزی با نگرش نسبت به ضرورت ترویج کشاورزی فقرزدا همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود داشته است که شدت همبستگی این دو متغیر متوسط است، بنابراین می‌توان این‌گونه استنباط نمود که آن‌هایی که دیدگاه مثبت‌تری نسبت به جهت‌دهی نظام کشاورزی به سمت کاهش فقر روستایی داشته‌اند، نگرششان نسبت به ضرورت ترویج کشاورزی فقرزدا نیز مثبت‌تر بوده است.

آزمون همبستگی اسپیرمن (جدول ۲) نشان‌دهنده همبستگی منفی و معنی‌داری بین متغیر درک از وضعیت اقتصادی (فقر، متوسط و ثروتمند) با متغیر نگرش نسبت به ضرورت ترویج کشاورزی فقرزدا بوده است. به نظر می‌رسد کارکنان ترویجی که خود را ثروتمندتر قلمداد نموده‌اند، تمایل کمتری برای ضروری دانستن ترویج کشاورزی فقرزدا، از خود نشان داده‌اند.

بین متغیر دارایی‌ها (که در این تحقیق شامل ۴ وضعیت ضعیف، نسبتاً ضعیف، نسبتاً خوب، خوب بوده است) با متغیر نگرش نسبت به ضرورت ترویج کشاورزی فقرزدا، همبستگی منفی و معنی‌داری وجود داشته است. به عبارت دیگر، نتایج نشان می‌دهند که هر چه وضعیت دارایی‌های کارکنان ترویج بهتر بوده است، نگرش آن‌ها

بین متغیر علاقه کار با روستاییان و متغیر نگرش نسبت به ضرورت ترویج کشاورزی فقرزدا، همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود داشته است. به احتمال زیاد، هرچه بر میزان علاقه به کار با روستاییان در کارکنان ترویجی افزوده گردیده، علاقه‌مندی آن‌ها به جستجو و بررسی مسائل روستایی بیشتر شده و بدین ترتیب آن‌ها به این امر پی برده‌اند که فقر از جمله مسائل مهمی است که ترویج کشاورزی بایستی بیش از پیش به آن توجه نماید.

هرچه بر میزان درآمد کارکنان ترویجی افزوده شده است، نگرش آن‌ها نسبت به ضرورت ترویج کشاورزی فقرزدا منفی‌تر گردیده است. شاید بتوان چنین اظهار نمود که بالاتر بودن درآمد کارکنان ترویج کشاورزی، آن‌ها را از درک منطقی و واقعی‌تر از شرایط فقرای روستایی دور نگه‌داشته و بنابراین گرایش مثبتی از خود برای سوق دادن ترویج کشاورزی به فقرزدایی نشان نداده‌اند.

هرچه تجربه کاری کارکنان ترویجی بیشتر شده است، نگرش آن‌ها نسبت به ضرورت ترویج کشاورزی فقرزدا مثبت‌تر گردیده است. چنین به نظر می‌رسد که کسانی که میزان سابقه فعالیتشان در عرصه روستایی زیادتر بوده، به همان نسبت زمان بیشتری برای بررسی مشکلات موجود در روستاها داشته و کسب تجربه بیشتر در ارتباط با امور روستاییان، سبب شده است که آن‌ها فقر و نابرابری در روستاها را از جمله مسائل مهم تلقی نمایند. همچنین بین متغیر میزان تماس با روستا با متغیر نگرش نسبت به

علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران / جلد ۱۲ / شماره ۲ / ۱۳۹۵

تصادفی انتخاب شده و از آن‌ها برای شرکت در یک جلسه بحث و تبادل نظر، دعوت رسمی به عمل آمد. در این جلسه، ضمن تأکید بر لزوم توجه به مسئله فقر و رویکردهای بین‌المللی برای فقرزدایی، مهم‌ترین مباحث و مفاهیم در ارتباط با فقر و بخصوص فقر روستایی مطرح گردید. سپس مدل ترویج کشاورزی حامی فقرا به کارکنان ترویجی معرفی گردید و هر یک از عناصر لحاظ شده در این مدل، به‌طور کامل تشریح شدند. در هر قسمت، شرکت‌کنندگان در جلسه، نظرات خود را در ارتباط با عناصر این مدل مطرح نموده و تمامی این نظرات نوشته شدند. نظرات و نکات مطرح شده از سوی گروه اعتبارسنج درباره عناصر این مدل در ادامه آورده شده است.

نسبت به ضرورت اهتمام ترویج به امر فقرزدایی در روستاها، منفی‌تر بوده است و بالعکس. بین متغیرهای سطح تحصیلات (کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد) و طبقه شغلی (مروج، کارشناس و مدیر) با متغیر نگرش نسبت به ضرورت ترویج کشاورزی فقرزدا همبستگی وجود نداشته است.

اعتبارسنجی مدل ترویج کشاورزی حامی فقرا

با توجه به این‌که مدل ترویج کشاورزی حامی فقرا که توسط حیاتی و کرمی در سال ۲۰۰۵ ارائه گردیده است، در این مطالعه به عنوان مدل تجربی برای رهیافت ترویج کشاورزی فقرزدا در ایران در نظر گرفته شده بود، به‌منظور ارزیابی و اعتبارسنجی این مدل، ۳۳ نفر از کارکنان ترویج که در مرحله پیمایش، نگرش آن‌ها نسبت به ضرورت ترویج کشاورزی فقرزدا مثبت ارزیابی شده بود، به‌طور

جدول ۱- نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون به منظور تعیین درجه همبستگی متغیرهای پژوهش با متغیر نگرش نسبت به ضرورت ترویج کشاورزی فقرزدا

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری (p)
- سن	۰/۴۱۲	۰/۰۰۷
- علاقه کار با روستاییان	۰/۵۳۴	۰/۰۰۵
- درآمد	-۰/۴۹۱	۰/۰۰۰
- تجربه کاری	۰/۷۲۰	۰/۰۰۰
- میزان تماس با روستا	۰/۸۰۴	۰/۰۰۰
- نگرش به رسالت فقرزدایی نظام کشاورزی	۰/۴۶۲	۰/۰۰۰

جدول ۲- نتایج حاصل از ضریب همبستگی اسپیرمن به منظور تعیین درجه همبستگی متغیرهای پژوهش با متغیر نگرش نسبت به ضرورت ترویج کشاورزی فقرزدا

متغیرها	ضریب همبستگی اسپیرمن	سطح معنی‌داری (p)
- درک از وضعیت اقتصادی	-۰/۶۱۳	۰/۰۰۰
- دارایی‌ها	-۰/۵۵۰	۰/۰۰۰
- سطح تحصیلات	۰/۰۵۹	۰/۴۶
- طبقه شغلی	۰/۰۲	۰/۸۰۵

درک فقر به عنوان یک پدیده چندبعدی

در ارتباط با این جزء، جمع‌بندی نظرات گروه اعتبارسنج شامل موارد زیر بوده است:

- فقر پیچیدگی‌های خاص خودش را دارد و تک‌بعدی نگرستن به مشکل فقر ساده‌انگاری به نظر می‌رسد.

- این مورد به خوبی در مدل لحاظ شده است، زیرا فقر تنها فقر اقتصادی نیست، اگرچه مهم‌ترین جنبه‌ای که به ذهن می‌رسد جنبه اقتصادی است ولی فقر جنبه‌های مختلفی مانند فرهنگی، اجتماعی، روان‌شناختی، اعتقادی را نیز در بر می‌گیرد. بسته به شرایط در هر منطقه لازم است که جنبه‌های متنوعی برای درک فقر در نظر گرفته شود.

- ما به طور سنتی یاد گرفته‌ایم همین که سطح تولید مزارع کشاورزی را بالا ببریم، تمامی مشکلات کشاورز را حل کرده‌ایم، اما امروز مشاهده می‌شود که نه تنها در حل بسیاری از این مشکلات ناموفق عمل کرده‌ایم، بلکه با مشکلات جدیدتری مانند مهاجرت، حاشیه‌نشینی، مشکلات اجتماعی مانند بزهکاری، اعتیاد و ... مواجه شده‌ایم. شاید اگر تنها بر جنبه‌ی اقتصادی تأکید نمی‌شد اکنون با مشکلات کمتری در سطح روستاها مواجه بودیم.

- بسیاری از مواقع با کشاورزانی برخورد می‌کنیم که از نظر مالی در وضعیت چندان بدی نیستند ولی به نوعی گرفتار فقر فرهنگی و ذهنی هستند، مثلاً اینکه بعضی از آن‌ها حتی حاضر نیستند برای تأمین بهداشت و سلامتی خودشان پول خرج کنند. ضرورتاً دیده‌ایم که وقتی کشاورز وضعیت درآمدی بهتری پیدا می‌کند، به دلیل نداشتن زمینه‌های فرهنگی و دانشی لازم، این درآمد به ارتقا سطح زندگی او منجر نمی‌شود و این امر باعث می‌شود که دوباره گرفتار مشکلات جدید بشود. پس فقر ابعاد گسترده و متعددی دارد که باید به آن توجه کرد.

شناسایی فقرا با ترکیب دیدگاه‌های داخلی و خارجی درباره فقر

در ارتباط با این جزء، گروه اعتبارسنج نکات زیر را ذکر نمودند:

- متأسفانه عادت کرده‌ایم که از بیرون به موقعیت‌ها نگاه کنیم، برنامه می‌سازیم و طبق آن عمل می‌کنیم، درحالی‌که باید بدانیم که کشاورزان فقیر افراد کلیدی برای تشخیص و شناسایی اولویت‌ها و نیازهای معیشتی خودشان هستند، باید نظرات آن‌ها در سنجش فقر و شناسایی اقشار فقیر مورد توجه قرار بگیرد.

- فقر پیچیده است، ولی به هر حال باید برای شناخت درست این پدیده و رسیدن به شاخص دقیق و مناسب‌تر برای سنجش آن، به نقطه نظرات و نتایج تحقیقات متخصصان و صاحب‌نظران بها داده شود و از طرفی با ملاحظه نظرات افراد محلی، آن جنبه‌هایی از فقر که از چشم متخصصان پنهان مانده نیز کشف شوند.

طبقه‌بندی فقرا بر مبنای نگرش آن‌ها نسبت به علل فقر گروه اعتبارسنج تحقیق، ضمن تأیید اهمیت این جزء از مدل، به نکات زیر اشاره نمودند:

- این مورد از این لحاظ که تأکید می‌کند که به تفاوت‌ها در دیدگاه خود فقرا درباره علل فقر بها داده بشود، بسیار حائز اهمیت است. کشاورزان با هم متفاوت هستند، ویژگی‌های متفاوتی دارند. منطقی است که پس از شناسایی آن‌ها باید به این تفاوت‌ها نیز بها داد. در ارتباط با موضوع فقر، باید دیدگاه خود کشاورز خرده‌پا و فقیر نسبت به شرایطی که در آن قرار گرفته است، درک شود. متأسفانه، در عرصه‌های دیگر هم ما تاکنون به این نکته توجه چندانی نداشته‌ایم. طبقه‌بندی کشاورزان فقیر، فرصت انجام برنامه‌ریزی دقیق‌تر به‌منظور ارائه کمک و مشاوره‌های فنی متناسب با نیازهای هر یک از گروه‌ها را فراهم می‌نماید.

- ما چون با کشاورزان در تعامل مستقیم بوده و با اقشار مختلف آن‌ها تماس رو در رو داریم، در توصیه‌ها و مشاوره‌هایی که به آن‌ها ارائه می‌دهیم و برای انتقال توصیه‌های خود به آن‌ها، به نوعی باید با موضوعات روانشناسی و انسان‌شناسی آشنا باشیم. درباره فقر هم به نظر می‌رسد که لازم است گروه‌های فقیر و محروم را بر مبنای تفکراتشان شناسایی و سپس طبقه‌بندی نماییم، در واقع از این طریق می‌توانیم مسئله را عمیق‌تر بررسی و ریشه‌یابی نماییم.

- وقتی با کشاورزان درباره مسائل و مشکلاتی که با آن مواجه هستند، صحبت می‌کنیم، متوجه تحلیل‌های مختلفی از علل مسائل آن‌ها می‌شویم؛ اما متأسفانه به دلیل محدودیت‌هایی که داشته‌ایم تاکنون همه ارباب‌رجوعان را به یک‌چشم نگاه کرده‌ایم و اغلب توصیه‌های مشخص و یکسانی را به آن‌ها ارائه کرده‌ایم. چنانچه شرایط برای طبقه‌بندی کشاورزان فقیر فراهم بشود، مطمئناً ارائه توصیه‌ها با نیازهای مختلف این گروه‌ها، تناسب بیشتری خواهد داشت.

تشخیص زمینه‌های آسیب‌پذیری

در ارتباط با این جزء، نکات زیر مطرح گردید:

ضرورت و اعتبارسنجی مدل ترویج کشاورزی حامی فقرا از دیدگاه...

در دست هم داده و تغییرات لازم را برای سازگار نمودن خود با اهداف جدیدتر، پیش‌بینی و اعمال نمایند. همچنین لازم است دیوان‌سالاری‌های موجود در ساختارهای کنونی برای ایفای نقش فقرزدایی، تغییر و اصلاح شوند.

- توجه به این ساختارها، از این لحاظ نیز مهم به نظر می‌رسد که هریک از این بخش‌ها می‌توانند در شناسایی موقعیت معیشتی فقرا و نیز تدوین راهبردهای مناسب و برای کمک‌رسانی به فرایند فقرزدایی، نقش مؤثری را ایفا نمایند. مثلاً سازمان‌های غیردولتی این قابلیت را دارند که برای شناسایی گروه‌های آسیب‌پذیر و فقیر در روستاها و نیز تشریح وضعیت معیشتی آن‌ها، به کمک مروجان و کارشناسان آمده و از طرفی ماهیت آن‌ها به گونه‌ای است که می‌توانند مشارکت فعال کشاورزان فقیر که در حاشیه و انزوا نیز بسر می‌برند را تشویق نموده و با فراهم‌سازی شرایط توانمند ساز برای آن‌ها، پیوند بین نهادهای مجری با این اقشار را به شیوه بهتر و سریع‌تر تسهیل نمایند. مسلم است که برای تحقق این امور، نیاز دارند که خودشان را برای سازگاری با هدف فقرزدایی تغییر بدهند.

- باید در نظر داشت که به دلیل گستردگی فرایند فقرزدایی، مسلماً منابع و هزینه‌های جدیدی را باید برای آن تدارک دید. بخش دولتی به تنهایی قادر به اختصاص بودجه مالی برای فقرزدایی نیست و باید بین بخش دولتی و سایر بخش‌ها شراکت نزدیکی به وجود بیاید.

ایجاد تغییرات و اصلاحات در: قوانین، سیاست‌ها، انگیزه‌ها
در تأیید این جزء از مدل، گروه اعتبارسنجی چنین مطرح نمودند که:

- ما برای اینکه بتوانیم پاسخ‌گوی نیازهای ارباب‌رجوعان خودمان باشیم، در وهله‌ی اول نیازمند آن هستیم که این وظایف برای ما تعریف شده باشند، ما مجری قوانین هستیم و مشاوره‌هایی را که به کشاورز می‌دهیم، بر مبنای قوانینی است که به ما ابلاغ می‌شود. اگر دست ما برای ایفای نقش‌های جدید باز باشد و پشتوانه حمایتی را از دستگاه‌های بالاتر در اختیار داشته باشیم، با اطمینان خاطر بیشتری عمل خواهیم کرد؛ بنابراین، ما برای اینکه بتوانیم به نیازهای فقرا پاسخ بدهیم، قوانین و سیاست‌ها نیز باید ما را برای داشتن چنین نقشی حمایت کنند. چون در هر صورت ما تابع قوانین و سیاست‌هایی هستیم که وظایف را برای ما تعریف می‌کنند. نهادهای مسئول اگر این اطمینان خاطر و انگیزه را در ما ایجاد کنند و از طرفی ما به آموزش‌های لازم برای فقرزدایی مجهز بشویم، ما هم خودمان را سازگار می‌نماییم.

- توجه به این مورد، به خصوص در شرایط کنونی که کشاورزان ضعیف با بحران‌های جدیدی مواجه شده‌اند، بسیار مهم است. ما می‌دانیم که این بحران‌ها، بیشترین صدمات را به کشاورزان کم‌درآمد و ضعیف می‌زند.

- کشاورزان دائم در معرض تهدیدات جدید هستند و گاهی ملاحظه می‌شود که با وارد شدن کوچک‌ترین آسیب بیرونی، معیشت آن‌ها با بحران جدی مواجه می‌شود. گاهی آن‌ها هزینه‌های سنگینی را متقبل می‌شوند و در اغلب اوقات در مواجهه با بحران‌های جدیدتر قادر به جبران این هزینه‌ها نبوده و دچار فقر می‌شوند.

- بسیاری از روستاییان و کشاورزانی که اکنون به هر دلیل از شرایطشان به تنگ آمده‌اند، قبلاً وضعیت بدی نداشتند. ولی شوک‌های وارده به آن‌ها مانند بروز خسارت‌های ناگهانی در مزارعشان و یا مشکلات ناشی از کم‌آبی، آن‌ها را به شرایطی رسانده که از این وضعیت گلایه‌مند هستند. در شرایط کنونی هر روز به تعداد افراد آسیب‌پذیر از شوک‌های بیرونی افزوده می‌شود. چنانچه قبلاً پیش‌بینی‌هایی برای این موارد صورت گرفته بود، شاید مشکلات گسترده کنونی را در سطح روستاها شاهد نبودیم.

- در شرایط کنونی، فعالیت‌های کشاورزی برای گروه‌های آسیب‌پذیر با خطرپذیری بسیار زیادی همراه است. درحالی‌که اگر زمینه‌های آسیب‌پذیری به درستی پیش‌بینی و شناسایی شوند، بهتر و با ریسک کمتری می‌توان در مراحل بعدی راه کار درست را به آن‌ها ارائه داد. متأسفانه، ما پس از وقوع مشکلات و بحران‌ها به فکر راه چاره هستیم که مسلماً در این مرحله، مشکلات هم بیشتر شده‌اند. پس خیلی بهتر است که پیش از این‌ها به شناخت بحران‌ها و زمینه‌های آسیب‌پذیری بپردازیم نه پس از وقوع آن‌ها.

تغییر در ساختارها

در تأیید این جزء از مدل، گروه اعتبارسنجی به نکات زیر اشاره نمودند:

- فقر گسترده و پیچیده است و بنابراین تمرکز بر فقرزدایی، بدون اعمال تغییر در ساختارهای کنونی، مشکل است. باید تمامی ساختارها، خودشان را برای سازگاری با این هدف آماده کنند. تمامی بخش‌های دست‌اندرکار اعم از خصوصی و دولتی باید اهداف و مسئولیت‌های خود را برای دستیابی به هدف فقرزدایی تغییر داده و با یکدیگر هماهنگ سازند.

- فقرزدایی، فرایندی گسترده است که هم بخش دولتی و هم بخش خصوصی و سازمان‌های غیردولتی و محلی، باید دست

- راهبردهای ما نباید ضرورتاً راهکارهای کشاورزی باشند، مثلاً در شرایط خشکسالی‌های اخیر که با بی‌آبی مواجه شده‌ایم، به جای اینکه به کشاورز مرتباً توصیه کنیم که چگونه راندمان منابع آبی را بالا ببرد، باید به او یاد بدهیم که راهبردهای دیگری را برای تأمین معیشت خود در شرایط بحرانی انتخاب نماید.

سایر نکات مطرح شده از سوی گروه اعتبارسنج
در نهایت، اعتبار مدل ترویج کشاورزی حامی فقرا، مورد تأیید کارکنان ترویجی حاضر در جلسه قرار گرفت. به اعتقاد این گروه، مدل مذکور، اصول جامع و مناسبی را شامل گردیده و از این لحاظ که توانسته علاوه بر جنبه‌های اقتصادی، جنبه‌های اجتماعی و کیفی را مدنظر قرار بدهد، نیز مدل مناسبی به نظر می‌رسد. تمام کارکنان حاضر در جلسه معتقد بودند که این مدل از کلیت مناسبی برخوردار بوده و همه موارد اساسی در آن لحاظ گردیده است.

لازم به توضیح است که ضمن تأیید اعتبار این مدل، در این جلسه یک سری نکات پیشنهادی نیز مطرح گردید:

- نظام ترویج کشاورزی در ایران تاکنون الگوی منسجم و مشخصی برای کاهش فقر نداشته است و این مدل بایستی به سیاست‌گذاران و مسئولان رده‌های بالاتر نیز معرفی شود تا بدین وسیله زمینه برای به‌کارگیری گسترده آن فراهم گردد.

- به‌کارگیری این مدل، مستلزم ایجاد تغییرات اجتماعی-فرهنگی اساسی بوده و باید برنامه زمانی مشخصی برای اجرایی نمودن آن در نظر گرفت.

- بر لزوم برگزاری و استمرار جلسات تعاملی بیشتر برای کارکنان ترویج با حضور متخصصان در زمینه‌ی فقر روستایی تأکید گردد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نظام ترویج کشاورزی در ایران با سابقه‌ای در حدود نیم‌قرن فعالیت در کشور، هنوز از برخی مشکلات رنج می‌برد و به یک بازسازی اساسی نیاز دارد تا بتواند مسئولیت خطیر خود را به انجام برساند. اگرچه فرض رهیافت‌های متداول ترویجی (که اشاره بر پذیرش تکنولوژی جدید توسط ثروتمندان روستایی و سپس نشر آن به گروه‌های فقیرتر دارد) بارها مورد انتقاد قرار گرفته است، اما غالب نهادهای ترویجی همچنان بر اساس رهیافت‌های مذکور فعالیت می‌کنند.

کمک به فقرا در انتخاب راهبردهای معیشتی مناسب با شرایطشان

در تأیید این جزء از مدل، گروه اعتبارسنج به نکات زیر اشاره نمودند:

- برای فقرزدایی، توجه به این اصل بسیار مهم است و ضروری است که بر آن تأکید زیادی بشود. چراکه ما یکی از مشکلاتی که در برخورد با کشاورزان فقیر داریم، این است که نمی‌دانیم برای آن‌ها چه توصیه‌هایی داشته باشیم. در واقع، کشاورز فقیر به دلیل کمبود منابعی که دارد، تسهیلات ویژه‌ای را نیاز دارد. به هر حال مجبوریم توصیه‌هایی را برای افزایش تولید به او بدهیم. در بسیاری از مواقع نیز، کشاورز ضعیف به توصیه‌های ما توجهی نمی‌کند. بنابراین، ما نیازمند ارائه راهبردهای جدید برای این گروه از کشاورزان هستیم.

- این نکته به‌خوبی در این مدل لحاظ شده است زیرا اشاره می‌کند که رسالت و وظیفه کارشناسان کشاورزی تنها به ارائه راهبردهای جدید برای فقرا محدود نمی‌شود، بلکه کمک به فقرا برای پذیرش راهبردهایی است که خود آن‌ها مناسب با شرایطشان تشخیص می‌دهند. بی‌شک، کشاورزان خود بهتر می‌دانند که چه توانایی‌های دیگری دارند اما در شرایط اضطرار برای رفع نیازهای ضروری، ممکن است نتوانند تصمیم درست را بگیرند. در چنین شرایطی وظیفه کارشناسان است که با ارائه مشاوره و تجهیز کشاورز به آموزش‌های جدید به آن‌ها کمک نمایند که کشاورزان تصمیم درست را بگیرند و با پذیرش راهبرد صحیح، وضعیت خود را سر و سامان بدهند. این مورد اشاره به این موضوع دارد که ما به‌جای این‌که برای کشاورز تصمیم بگیریم، تلاش کنیم که روحیه خلاقیت را در او تقویت کنیم تا خودش در نهایت دست به انتخاب بزند، به‌گونه‌ای که در مراحل دیگر و در مواجهه با مشکلات بعدی نیز بتواند این ابتکار عمل را به کار ببندد.

- در حال حاضر، بر روی مباحث کارآفرینی و اشتغال‌زایی برای روستاییان تأکید زیادی می‌شود. به‌خصوص با بحران‌های جدیدی که در بخش روستایی، شاهد هستیم. بنابراین کمک به روستاییان برای به‌کارگیری راهبردهای معیشتی جدید، ضرورت دارد. امروز نیاز داریم که به توسعه فعالیت‌های دیگری غیر از کشاورزی، اهمیت بیشتری بدهیم. مثلاً صنایع روستایی و صنایع خانگی برای کمک به روستاییان خرده‌پا، باید توسعه داده شوند.

ضرورت و اعتبارسنجی مدل ترویج کشاورزی حامی فقرا از دیدگاه...

بنابراین، شایسته است با بهره‌گیری از شیوه‌های ترویجی و آموزشی و انتشار اطلاعات مختلف در قالب کتاب‌ها، مقالات، بروشورها و سایر رسانه‌ها، به تدریج، اهمیت و ضرورت آن برای گروه‌های مختلف و مسئولان اجرایی تبیین گردد تا از این طریق بستر لازم برای اقدامات بعدی فراهم گردد.

از آنجاکه برخی ویژگی‌های فردی کارکنان ترویجی مانند سن، علاقه به کار با روستاییان و برخی ویژگی‌های حرفه‌ای مانند رشته تحصیلی، تجربه کاری، با نگرش نسبت به ضرورت ترویج کشاورزی فقردا رابطه داشته‌اند، بنابراین، ضروری است که برای اجرای طرح‌ها و پروژه‌های فقردایی در روستاها، به گزینش افراد بر مبنای این ویژگی‌ها، مبادرت شود.

در نهایت، اعتبار مدل تجربی برای رهیافت ترویج کشاورزی فقردا در ایران، توسط ۳۳ نفر از کارکنان ترویج کشاورزی استان فارس که به‌عنوان گروه اعتبارسنج انتخاب شدند، مورد تأیید قرار گرفت. به‌طور کلی، از نظر گروه اعتبارسنج، مدل ترویج کشاورزی حامی فقرا، اصول و عناصر مناسبی را در برداشته و اکثر چیزهایی که نظام ترویج کشاورزی کنونی باید آن‌ها را مدنظر قرار بدهد تا بتواند به کشاورزان ضعیف‌تر کمک نماید، در این مدل لحاظ شده است. به اعتقاد آن‌ها، مدل مذکور از این لحاظ که علاوه بر شاخص‌های اقتصادی، شاخص‌های اجتماعی و کیفی را هم مدنظر قرار داده، نیز مدلی همه‌جانبه و مناسب است. در عین حال، بر مبنای نظرات این گروه، به‌کارگیری صحیح مدل ترویج کشاورزی حامی فقرا، باید مورد توجه قرار گیرد؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود که مدل تجربی رهیافت ترویج کشاورزی حامی فقرا، حداقل به‌صورت آزمایشی و پروژه‌ای در یک سطح محدود به اجرا گذاشته شود تا بدین ترتیب امکان ارزیابی و بررسی نقاط قوت و ضعف آن به‌طور عملی فراهم گردد. همچنین، اگر قرار باشد مدل ترویج کشاورزی حامی فقرا، در سال‌های آتی به اجرا گذاشته شود، نظارت بر درست اجرا نمودن آن، امری ضروری است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که از یک گروه ارزیاب کارآمد که در وهله اول به مبنای و اصول این مدل باور داشته باشند و در وهله دوم با برخورداری از آموزش‌های لازم و مستمر، بتوانند بر اجرای صحیح این مدل نظارت داشته باشند.

برای مواجهه با مسائلی از قبیل فقر روستایی، نیازمند الگوها و مدل‌های حل مسئله هستیم که جهت‌گیری آن‌ها به سمت کشاورزان ضعیف و فقرا روستایی باشد. جهت‌دهی فعالیت‌ها به سوی فقردایی، نیازمند تغییر نگرش‌ها در نظام ترویج کشاورزی می‌باشد و به‌منظور منسجم نمودن فعالیت‌ها، باید رهیافت و الگوی مناسبی را به کار گرفت.

بی‌شک، عاملین ترویج با توجه به نقش و مسئولیتی که طی سالیان متمادی بر عهده داشته‌اند، از جمله کسانی هستند که در متن جریان‌ها و تحولات جامعه روستایی قرار داشته و عموماً دارای دیدگاه‌های واقعی‌تر از نیازهای جامعه روستایی بوده و بهتر می‌توانند درباره جهت‌گیری برنامه‌های ترویجی قضاوت نمایند.

مطالعات مختلف در دنیا، به بررسی نقش و اهمیت ترویج کشاورزی در کاهش فقر پرداخته‌اند؛ اما بررسی میزان گرایش مسئولان و دست‌اندرکاران فعالیت‌های ترویج برای فعالیت‌های فقردایی از یک سو و به‌کارگیری الگوهای مناسب از سوی دیگر، مورد غفلت واقع شده است. لاقلاً در کشور ما، پژوهش‌چندانی در این زمینه صورت نگرفته است. بنابراین این پژوهش با هدف بررسی نگرش کارکنان ترویج کشاورزی در رابطه با ضرورت ایجاد نظام ترویج کشاورزی فقردا و سپس اعتبارسنجی مدل ترویج کشاورزی حامی فقرا که تنها مدل ارائه‌شده برای نظام ترویج کشاورزی فقردا بوده است، به اجرا درآمد.

یافته‌ها نشان داد که حدود ۵۵ درصد از کارکنان ترویج، نگرش مثبتی نسبت به استقرار نظام ترویج کشاورزی فقردا داشته‌اند و به عبارتی آن‌ها اهتمام ترویج کشاورزی به کاهش فقر روستایی را یک ضرورت دانسته‌اند. این امر، بیانگر نقش مهمی است که در آینده، ترویج کشاورزی می‌تواند در کاهش فقر روستایی ایفا نماید. بنابراین پیشنهاد می‌شود که با گسترش هرچه بیشتر برنامه‌های آموزشی مستمر و منسجم، زمینه لازم برای ارتقاء مهارت‌های عملی ایشان در ارتباط با کاهش فقر روستایی فراهم گردد. از طرفی، با توجه به اینکه درصد نسبتاً قابل توجهی از کارکنان ترویج نیز گرایش چندانی مثبتی به این امر نداشته‌اند، ضروری است که با تدارک برنامه‌های آموزشی بلندمدت، شرایط برای تغییر نگرش این دسته از کارکنان فراهم گردد. بدون شک تغییر جهت‌دهی مداخله‌گری‌های ترویج به سمت فقردایی، کار آسانی نبوده و پیش از هر چیز نیاز به فرهنگ‌سازی دارد.

منابع

- ابراهیمی، م. و میرزایی، خ. (۱۳۹۴). ارزیابی انواع استراتژی‌های ترویج کشاورزی برای ریشه‌کنی فقر و توانمندسازی کشاورزان. کنفرانس بین‌المللی مدیریت، اقتصاد و مهندسی صنایع. تهران، ۲۶ خرداد ۱۳۹۴.
- رضایی مقدم، ک.، کرمی، ع.ا. (۱۳۸۵). ترویج کشاورزی، فقر و کشاورزی پایدار: کاربرد تحلیل مسیر. علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، دوره ۲، شماره ۱، صص ۷۰-۵۵.
- قرنی آرانی، ب. (۱۳۹۳). بررسی نقش برنامه‌ریزی مشارکتی در کاهش فقر روستایی به روش کیفی، مطالعه موردی روستایلزور. پژوهش‌های روستایی، دوره ۵، شماره ۳، صص ۴۸۸-۴۶۷.
- طالب، م.، پیری، ص.، و محمدی، س. (۱۳۸۹). فرا تحلیلی بر مطالعات فقر در جامعه روستایی ایران. توسعه محلی (روستایی-شهری). دوره ۲، شماره ۲، صص ۱۸۰-۱۷۰.
- نوروزی، م.، حیاتی، د. (۱۳۹۴). سازه‌های مؤثر بر معیشت پایدار روستایی از دیدگاه کشاورزان استان کرمانشاه. علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، دوره ۱۱، شماره ۱، صص ۱۴۴-۱۲۷.
- Addison, T. (2009). Chronic poverty in the global economy. *European Journal of Development Research*, 21(2), 174-178.
- Aklilu, N., Adisu, A., Desalegn, K., and Gebreegziabher, A. (2015). Agricultural extension for enhancing productivity and poverty alleviation in small scale irrigation agriculture for sustainable development in Ethiopia. *African Journal of Agricultural Research*, 11(3), 171-183.
- Carney, D. (1998). *Implementing the sustainable rural livelihoods approach*. In D. Carney, (Ed.). *Sustainable rural livelihoods: What contribution can we make?*. London: department for International Development.
- Christoplos, I. (2010). Mobilizing the potential of rural and agricultural extension. Available at: <<http://www.fao.org/docrep/012/i1444e/i1444e00.pdf>>.
- Davidson, P., and Ahmad, M. (2003). Privatization and the crisis of agricultural extension: The case of Pakistan. Available at: <<http://www.joe.org>>.
- Davis, K., Franzel, s., and Spielman, D.J. (2016). Extension options for better livelihoods and poverty reduction: A selected review 2012-2015. Available at: <<http://fsg.afre.msu.edu/papers/idwp143.pdf>>.
- Department for international Development (DFID). (2002). Linking poverty reduction and environmental management: Policy challenges and opportunities. UK: DFID. Available at: <<https://www.unpei.org/sites/default/files/publications/Linking-poverty-red-env.pdf>>.
- FAO, (2008). Agricultural extension, rural development and food security challenge. Available at: <<http://www.fao.org>>.
- Farrington, J. (2007). "Role of agriculture in poverty reduction". Available at: <<http://www.odi.org>>.
- Global Donor Platform for Rural Development (GDPRD), (2005). Targeting rural poverty to achieve millennium development goal 1. Available at: <<http://www.fao.org/newsroom/GDPRD-rural-poverty.pdf>>.
- Hayati, D., and Karami, E. (2005a). Typology of causes of poverty: The perception of Iranian farmers. *Journal of Economic Psychology*, 26, 884-901.
- Hayati, D., and Karami, E. (2005b). "Agricultural extension and poverty in Iran: Past, present, future, and a Pro-poor approach". *Journal of Extension Systems*, 22(2), 53-68.
- Levy, S. (2003). Are we targeting the poor? lessons from Malawi. Available at: <<http://pubs.iied.org/pdfs/G02048.pdf>>
- Marcho, k. (2004). Towards rural poverty reduction in developing countries: The role of public research and extension. Available at: <<http://www.tropentag.de>>.
- Neuchatel Group, (2003). Common framework for supporting pro-poor extension. Available at: <<http://www.neuchatelinitiative.net>>.
- Schneider, K., and Gugerty, M. K. (2011). Agricultural productivity and poverty reduction: linkages and pathways. *The Evans School Review*. 1(1), 56-74.
- Sullivan, M. (2001). Poverty reduction and environment. *Development Bulletin*, 55, 12-15.

Necessity and validation of the Pro-Poor Agricultural Extension Model Based on the Perspective of Agricultural Extension Staff in Fars Province

N. Kianmehr* and D. Hayati¹

(Received: 14.Mar 2016; Accepted: 24 Oct. 2017)

Abstract

Nowadays, agricultural extension as a non-formal education system that attempts to improve the rural life has faced important challenges such as rural poverty. The prerequisite of directing the activities toward reducing poverty is to enhance the extension staff's attitude and the use of appropriate approach. This research was consisted of two qualitative and quantitative segments. The objective of quantitative part was to examine the necessity of poverty-oriented agricultural extension based on extension staff's attitude and the purpose of qualitative part was to validate the pro-poor agricultural extension model. Based on a random proportional stratified sampling, 192 of agricultural extension staff in Fars province were selected and the quantitative data were collected according to survey method and using a questionnaire. The research findings revealed that about 55 percent of extension staff had positive attitude toward poverty-oriented agricultural extension. After determining the extension staff's attitude, the pro-poor agricultural extension model has been examined and validated in a formal meeting of 33 attended extension staff. Finally, based on research findings, some applicable recommendations have been presented.

Keywords: Pro-Poor Agricultural Extension Model, Agricultural Extension Staff, Fars Province.

1 - Ph.D. Student of Agricultural Education and Professor , Department of Agricultural Extension and Education, School of Agriculture, Shiraz University, respectively, Shiraz, Iran

*- Corresponding Author, Email: kianaz86@yahoo.com